



۴ آوریل ۲۰۱۶

نوشته: ترؤور باتلر

بلندگوی ایستاده ی Manger p1

اگر بخواهم مقدم را از آخر به اول بیایم و همینجا شما را از پریدن به بخش "نتیجه گیری" آخر مقاله خلاص کنم، باید بگویم که من می خواستم که این بلندگو را دوست بدارم. (چراکه) اخیراً و طی چند رویداد نمایشگاهی اروپائی از صدای آن خوشم آمده بود (نه! اجازه دهید اصلاح کنم: من صدایی که این بلندگو می ساخت را می ستودم)، و، خوشبختانه، پس از رسیدن به مچینگ مناسب برای آمپلی فایر و قرارگیری بلندگوها در اتاق مناسب با موقعیت های صحیح - من به واقع از این بلندگوها خوشم آمد... تا حدی که احتمالاً پس از آنکه مجبور شوم آنها را به آلمان برگردانم با خود اشک خواهم ریخت.

اصوات آغازی

من آنچنان مشتاق شنیدن صدای این بلندگوهای ایستاده بودم که به محض اطلاع از ورودشان به دفتر نشریه آنلاین the-ear.net بی صبرانه به آنجا شتافتم. به سردبیر فشار آوردم که آنها را به یک سیستم رفرنس (شامل یک آمپلی فایر نه چندان ارزان از Naim) وصل کند و نگاه بود که برای شنیدن موسیقی نشستیم. پس از گذشتن تنها چند میزان از ابتدای "انجیل به روایت متی" اثر یوهان سباستین باخ و اجرای پیتر شرپر (چاپ فیلیپس) قلب من فرو ریخت. پخش اثر آنچنان خشک بود که همه ی نوازندگان، تکنوازان (سولیست ها) و گروه گُر از یکدیگر می شکافتند و جدا می شدند. این صدا هرگز آنچیزی نبود که من از این بلندگوهای پیشتاز-فن آوری در جریان هر یک از نمایشگاه های بُن (سویس) و یا نمایش

شگفت انگیزی که توسط Gydotron، نماینده ی فروش Manger در کشور بلژیک برگزار شده بود، شنیده بودم. در هر دو موقعیت شنیدن موسیقی باعث حس مور مور در سرتاسر بدنم می شد و بطور ناخواسته مرا امیداشت تا با پاهایم ریتم موسیقی را ضرب بگیرم. اما اینک در قیاس با آن صداها، ما صدایی بی رنگ و روح می شنیدیم! سردبیر که دیگر به پا خواسته بود، فوراً به سراغ آمپلی فایر انگلیسی دیگری که البته ارزانتر از Naim هم بود رفت (ATC) و آنرا به بلندگوها وصل کرد. با دو فنجان چای دارجلینگ کمی آسودیم و مجدداً به شنیدن موسیقی پرداختیم. اصلاح در صدا را فوراً می شد تشخیص داد، بلی، اما باز هم با آنچه من پیشتر شنیده بودم و می دانستم که این بلندگوها مستعد آنند فاصلی ئی زیاد داشت.

راه اندازی

بدون تحمل گرفتاری های بیشتر بلندگوها به منزل اینجانپ، خانه باتلرها، حمل شدند. چند تماس تلفنی مهم برقرار کردم، در بلژیک، بدلیل چیدمان پر کاری که از این مدل دیده بودم، بدون درنگ با دوست فروشنده ی خودم در Audio Ingang تماس گرفتم. آنگونه که گارمت (Garmt) نیز تصدیق کرد، راه اندازی یک جفت p1 می تواند کاری پر زحمت باشد. جزییات زیادی را طی یک ای-میل دریافت کردم، اما بابت نسخه ی سخت-ولی-آماده ئی که با محبت به من ارائه داد از او سپاسگزارم چراکه، با کمال خوشبختی، صدای ۳ بعدی و جادویی ئی که من طی دو رویداد قبلی عاشقش شده بودم بازیابی شد.



اساساً، بلندگوهای جعبه-بسته ی p1 می بایست حداقل ۲ تا ۲/۵ متر از یکدیگر فاصله داشته و تا دیوار نیز حداقل ۳۰ سانتیمتر فاصله داشته باشند و با این فواصل آنچنان کار شود تا بلاخره بهترین ریتم موزیکال و صدای باس بدست آید. و، پسر، این خوشگل ها می توانند صدای باسی شایسته، بخوبی قابل تشخیص و به غایت زنده و شفاف توأم با مقدار کافی

ریتم و حس عالی از زمانبندی اثر را با قدرت منتقل کنند. حقه ی بعدی یافتن سوپیت پوینت بلندگوهاست که برای این کار کافیسست بلندگوها را به نحوی به سمت داخل بگردانید که امتداد محور صفحه ی یونیت های هر دو بلندگو یکدیگر را در نقطه ای تقریباً نیم متر مانده به محل نشستن شنونده قطع کنند. با استفاده از یک موسیقی با کیفیت کلاسیک خواه نا خواه نقطه ی مطلوب را خواهید یافت، جاییکه صدای کاملاً ۳ بُعدی تمام اتاق شما را پر کند. البته، نیشگون ریز دیگری هم گرفتم، و بلندگوها را مقدار کمی به هم نزدیک کردم که باز هم در بهبود صدا تأثیرات خوبی داشت.

با حرارت موسیقی شنیدن

بعد از چیدمان های مختلف، نهایتاً دریافتم که آمپلی فایرهای مونوبلاک آلمانی ساخت کمپانی Trigon با نام Dwarf II کوپل بسیار تحسین برانگیزی برای p1 هستند در حالیکه آمپلی فایرهای به مراتب گرانتر Naim و ATC چندان موفق نبودند. به هیچ کسی اجازه ندهید برایتان استدلال کند که "همه ی آمپلی فایرها یکسان صدا می دهند" یا اینکه "اصلاً مهم نیست که بلندگوهای ما را با چه آمپلی فایری جفت می کنید چراکه در همه ی حالات صدایشان عالی خواهد بود"... مشتی حرفهای چرند!

برای تست صدای p1 چه چیزی بهتر از سی دی ۱۵ قطعه ئی خود Manger یا Manger Sampler 16bit Audio CD، که برخی از قطعاتش به واقع نفیس اند. برای مثال، قطعه های جاز بسیار زیبا با ضبط فوق العاده (شامل ارکسترهای آنسامبل تریو، کوارتت و پرکاشن) که به سرعت انگشتان منرا بطور غیر ارادی به ضرب گرفتن وامیداشتند و زانوهایی که با ریتم موسیقی به تکان در می آمدند، تجربه ئی که من با مونیتورهای BBC-Style خودم کسب نمی کردم و به آن عادت نداشتم (ژانر بلندگویی که من معتادش بودم آن هم برای مدت طولانی، تاریخ آن به BC1 های قدیمی و طراحی های ریچارد راسی نابغه وقتیکه هنوز در کمپانی Rogers کار می کرد باز می گردد، مدل هایی همچون LS7t – یا مدلهایی که من با آنها بزرگ شدم، LS5/8 و LS5/9، که در استودیوی BBC استفاده می شدند و صدایشان باعث دندان قروچه کردن من می شدند).

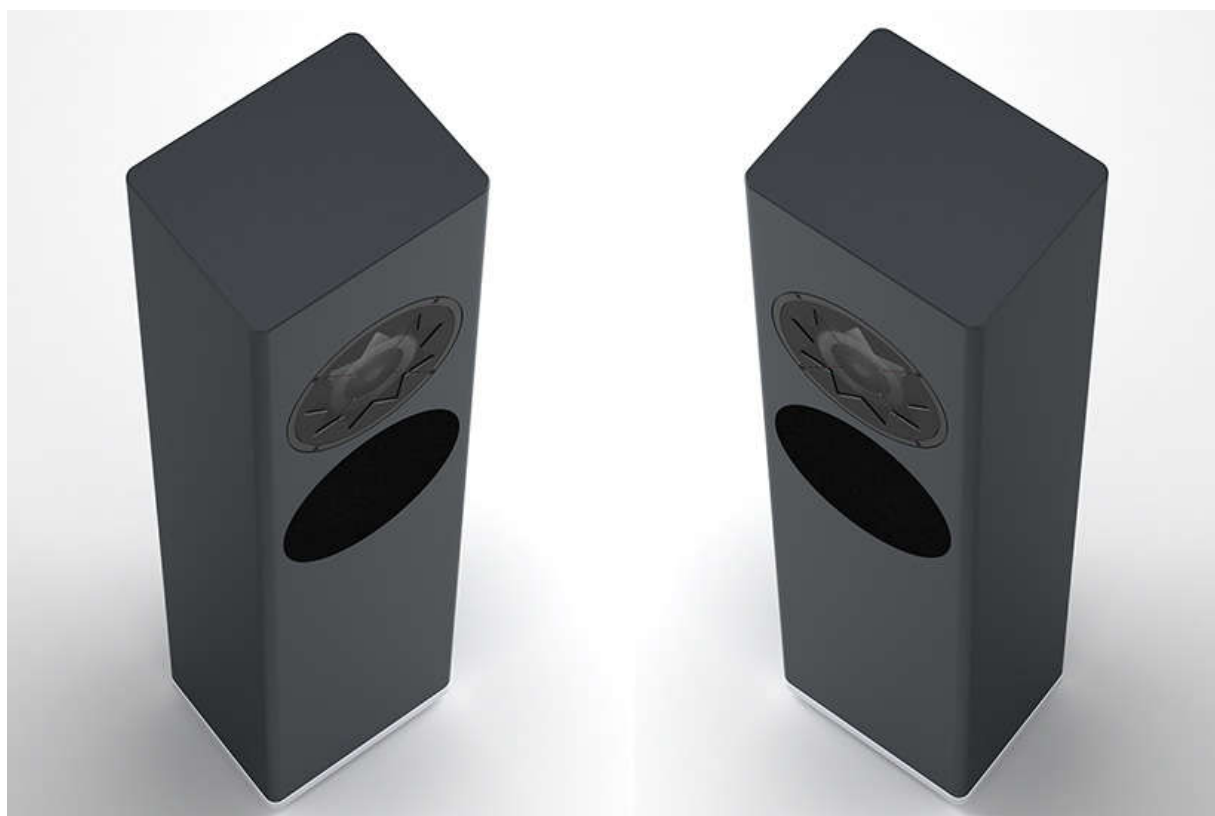
موزیکالیت، شعار محض p1 است، چراکه قابلیت تفکیک و بیرون کشیدن کوچکترین جزئیات نهفته در قطعه موسیقی را به خوبی هرچه تمام تر داراست به نحوی که شنونده را به محل برگزاری ضبط اثر منتقل می کند؛ آن کلپ های اجرای موسیقی جاز در بازپخش بسیار واقعی به نظر می رسند، با جزئیاتی کاملاً قابل لمس، آکنده از ظرایف.

با یک سی دی ضبط چسکی (Chesky Records) از قطعه ی 'Isn't She Lovely' اثر لئوینگستون تیلور فوراً انگیخته شدم که به فضاهای ما بین ضربه ها و نُت ها توجه بیشتری بورزم، آنقدر که سطح پرداخت میکرو-رزولوشن ها یا جزئیات بسیار ریز در تفکیک نواک ها و اصوات و ریتم ها عالی بود. همه ی این شگفتی ها فقط در شب اول استماع p1 انباشته شده بود و من هنوز متوجه نشده بودم که ساعت ۲ بامداد است! مدت مدیدی بود که اینچنین مشتاق لاینقطع موسیقی شنیدن نبودم: آلبوم پس از آلبوم بود که بی وقفه به لیست پخش اضافه می شدند.



بلندگوهای p1 جعبه‌هایی بسته دارند، با همه‌ی امتیازاتی که اینکار می‌تواند در بهبود صدای باس داشته باشد. در حقیقت، محفظه‌ی جعبه‌ها سه-قسمتی هستند، یک قسمت برای ووفر، قسمت دیگر برای یونیت جادویی منگر و قسمت آخر که در زیر قرار دارد (همان جاییکه در مدل s1 پاور آمپلی فایرها قرار می‌گیرند). آن باس دوست داشتنی گرم و انرژی بخش قطعه‌ی "The Cost of Freedom" از مارلا گلن را برای شنیدن بسیار دلپذیرتر از دیگر مواقع کرده بود، در حالیکه صدای ساکسیفون در قطعه "Walking on the Moon" از یوری هونینگ بسیار زنده بخش می‌شد گویی سازها به اتاق من منتقل شده‌اند. سپس صدای درامز وارد عمل شد. وای! اگر دینامیک نیست پس چیست؟ این بلندگوها واقعاً به مانند یک شبیه‌سازی موفق از مدل‌های تمام دامنه (Full-Range) می‌باشند، یا مثل یک سیستم Hi-End ئی که می‌تواند چندین برابر این هزینه داشته باشد راندمان دارد، که p1 را به یک خرید فوق العاده مناسب برای هر اودیوفایلی بدل می‌کند. قطعه‌های ارکسترال در سی دی تعریف آمیز Manger شامل سوناتای شماره ۸ بتهوون (چاپ دنون) و سمفونی ۶۷ از هایدن (چاپ بلومستد) و سوئیت پولسینلا (Pulcinella) از فیلامونیک برلین با متروسوپرانوی اولگا بورودینا می‌شوند. مجدداً، اجراهایی که همگی از عمق و عرض زیادی در ساند-استیج برخوردار بودند. عظمت این آثار توانایی‌های p1 را برای بازتولید وزن و جریان سیال صدا آن هم برای چنین دامنه‌ی گسترده‌ئی از سبک‌های گوناگون به چالش کشید، اما این بلندگوها همچنان دینامیک‌هایی رنگارنگ را به همراه توانایی بالا در پرداختن به تمام ریز جزئیات و ظرایف از خود بروز می‌دادند. اما، نوبت به بخش سخنرانی که رسید، نمایش‌های درام معروف از رادیو BBC و مونولوگ‌هایشان که طراحی منگر را بی‌قرار می‌کرد و مقادیری خرد شدگی را در ناحیه‌ی پریزنس بر ملا می‌نمود، و صداهای مشاهیری همچون گیلگاد و یان کارمایکل را که غیر طبیعی تجسم می‌بخشید در حالیکه به هیچ وجه از جنبه سرگرم کننده‌ی آنها نمی‌کاست. همچنین سبک‌های به شدت کمپرس شده‌ئی مانند رگه و یا پانک هم برای این بلندگوها چالش برانگیز بودند، ازینرو علاقه‌مندان به

موسیقی های تند و پرهیجان نه تنها مشتریان خوبی برای منگر نیستند بلکه کلاً سرمایه گذاری شان برای بلندگوهای با راندمان بالا و کیفیت عالی همانند p1 کاملاً اشتباه است. این بلندگوهای لطیف و اعلاء کارشان اینست که به موسیقی اجازه دهند تا پیام احساساسی اش را منتقل کند و البته این کار را با نهایت دست و دل بازی انجام می دهند، نوازندگان را به شنونده نزدیک می کنند با حس واقعی ئی که به سختی میتوان در بلندگوهای دیگر، حتی با چندین برابر قیمت، یافت. در اتاق من تجهیزات آکوستیک به درستی نسب شده که صدایی طبیعی و صحیح را ارائه می دهد. حس مورمور مجدداً برگشته بود به همراه حس گرم و نوازشگری آکنده از رضایت.



دوباره p1 به جوش و خروش آمد و جادوی لئونارد کوهرن (Live in London) مرا در جلسه ی ضبط آن اثر- اما با قیاسی کوچکتر- قرار داد با پرداختی واقعیت گرایانه که مرا می انگیخت دست دراز کنم و خود پیرمرد را لمس کنم. پاسخ تربیل نرم صدا به اندازه ئی عالی یکپارچه و یکدست بود که به یک بازسازی هولوگرافیک از آن اجرا تبدیل شده بود. درخششی که در تربیل صدای p1 وجود دارد موسیقی را هرچه زنده تر و آکنده از انرژی می کند. همه ی این توانایی ها، اما، برای یونیت های منگر MSW به سادگی جلوه می کند و چنین صدای نفیسی بازتولید می شود که همیشه گرسنه ی شنیدن آن هستید.

فن آوری

اما، چیزی که این بلندگوهای ایستاده را خاص می کند ریشه در داستان زندگی مردی دارد که ۴۵ سال پیش کمپانی منگر را تاسیس کرد و ترنسدیوسر موج-خمیده و تصحیح زمانی افسانه ئی را آفرید که نام خود او یعنی ژوزف. دبلیو منگر را یدک می کشد. طی دهه های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ میلادی، ژوزف منگر اختراعات و نوآوری های متعددی را به ثبت رساند تا بتواند اولین

نمونه تحقیقاتی خود از یونیت MSW را خلق کند. از آن زمان تا کنون این یونیت توسط دختر و دستیارش خانم دانیلا منگر (مهندس دارای رتبه)، که هم اینک مدیریت کمپانی را نیز عهده دار است، همواره در حال ارتقاء و بهینه سازی بوده است.

یونیت درایو مبتکرانه ی منگر عملکرد غشاء پایه درون گوش انسان را تقلید می کند و سیگنال های آکوستیکی را تولید می کند که بصورت گذرا و از نظر تونال کاملاً صحیح و دقیقاً منطبق با زمان بندی گوش انسان است. با دوری جستن از شکل پیستونی یونیت های متعارف، منگر ترنسدیوسر موج -خمیده ئی با غشائی دایره ئی و مسطح از جنسی منعطف و با زوایای تندی در لبه های بیرونی، که بوسیله یک Voice-Coil به سمت عقب و جلو به حرکت می آید را خلق کرد. اما، قسمت هوشمندانه هنوز مانده؛ اینکه امواج بصورت متحد المرکز از داخل یونیت به سمت بیرون آن حرکت می کنند؛ وویس کوئل فقط باید مرکز این دایره را به حرکت درآورد تا فرکانس صدا در سطح غشاء به حرکت درآید. این یونیت فول رنج در بلندگوی p1 با یک ووفر اختصاصی کامل شده است، مختصراً، به این دلیل که ترنسدیوسر فقط قادر است آن اندازه از حجم هوا را جا به جا کند که برای بازتولید ۸۰ هرتز کافیسیت و برای فرکانس های پایینتر از آن می توان از ووفر بهره گرفت.

مدل p1 گل سر سبد سری بلندگوهای Passive منگر است: بلند قامت، با وقار و حتی کمی با ابهت، که برای جلب تمام سلیقه های حرفه ئی و خانگی در رنگ ها و فینیشینگ های بسیار متنوع شامل تمام کد رنگهای RAL و انواع وینیرهای طبیعی عرضه می شود. به من گفته شد که موسیقیدانهای مختلفی همچون هربرت فون گویرن و نیلز پتر مولوئر از مدل های منگر بهره می برند. نه تنها تمامی اجزاء این بلندگو با سختگیرانه ترین استاندارد هایی که می توانیم توقع داشته باشیم در آلمان ساخته می شوند، بلکه خود کمپانی هم بصورت یک شغل خانوادگی باقی می ماند، جاییکه هر محصول منفرداً، با دست و با دقتی بی سابقه (در این حرفه)، ساخته و پرداخته می شود - با تولرانسی که تا حد گیج کننده ی یک هزارم میلیمتر فرو کاسته شده است.



مشخصات فنی:

۲ خروجی، ۲ درایو، بلندگوی ایستاده با کابینت بسته
یونیت های درایو: یک ترنسدیوسر منگر (MSW) به علاوه ی یک درایو باس ۲۰ میلیمتری (۸ اینچی) با پوسته ی ساندویچ
کاغذ و فایبرگلاس و وویس کوئل ۴۲ میلیمتری
فرکانس کراس آور: ۳۶۰ هرتز
دامنه پاسخ فرکانسی: ۴۰ تا ۴۰,۰۰۰ هرتز
امپدانس: ۴ اهم
حساسیت: ۸۹ دسیبل در وات در متر
ابعاد: ۱۱۳۹ میلیمتر ارتفاع، ۲۷۰ میلیمتر عرض، ۲۱۴ میلیمتر عمق
وزن: هریک ۲۸ کیلوگرم
فینیشینگ: مات سیلک مطابق رنگهای RAL، Nextel، وینیر و یا UltraHigh Gloss
قیمت: ۸,۴۰۰ یورو

مشخصات سازنده:

Manger Audio – www.mangeraudio.com

نمایندگی در ایران:

شرکت آوین آوا آرتا – www.avinava.com

ترجمه: وحید صفوی زاده